

سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن کریم (۳) «رخ داده‌های زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»

حسن عرفان

اشاره:

موضوع «سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن کریم» در شماره‌های گذشته ماهنامه مبلغان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در سلسله مباحث آن به مبحث «رخ داده‌های زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» رسیدیم که در این مقاله ارائه می‌گردد.

پاره‌ای از رخ داده‌های زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن کریم

۱. هجرت

«يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ»؛^۱ «چون به خداوندی که پروردگار همه شملت، ایمان آورده‌اید، پیامبر و شما را از شهرتان خارج می‌سازد.»
«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛^۲ «اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرده است، آنگاه که کفرپیشگان او را از مکه بیرون راندند، هنگامی که او همراه دیگری دو نفره در غار بودند و او به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش! بی‌شک خدا با ماست.»^۳

۲. تغییر قبله

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»؛^۴ «نگاه‌های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم. اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هرجا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده است، به خوبی می‌دانند این فرمان حقیقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده، (و در کتابهای خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به سوی دو قبله نماز می‌خواند) و خداوند از اعمال آنها (در پنهان داشتن این آیات) غافل نیست.»^۵

«وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ * وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»؛^۶ «و از هر جا روانه جایی شدی و در هر جا که بودی، باید صورتت را به سوی مسجد الحرام بگردانی. این دستور، مسلمانان را حقیقتی از سوی پروردگار تو ست و خداوند از آنچه می‌کنید، غافل نیست و ای رسول! از هر جا آهنگ حرکت داشتی و به هر جا که رفتی و شمسلمانان نیز هر

۱. ممتحنه / ۱ و نگاه کنید به بقره / ۲۱۵؛ نحل / ۴۳.

۲. توبه / ۴۰.

۳. آیه ۲۰۷ سوره بقره نیز درباره «لیلة المبيت» و خفتن فداکارانه امام علی(ع) در بستر حضرت محمد است.

۴. بقره / ۱۴۴.

۵. ترجمه این آیه از آیت الله مکارم شیرازی است.

۶. بقره / ۱۴۹ و ۱۵۰.

کجا بودید، روی به سوی مسجد الحرام کنید»

«پیامبر گرامی، سیزده سال تمام در مکه به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد. پس از مهاجرت به مدینه، دستور الهی این بود که به وضع سابق از نظر قبله ادامه دهد، و قبله‌ای که یهود به آن نماز می‌گزاردند، مسلمانان نیز به آن طرف نماز بگذارند این کار، عملاً نوعی همکاری و نزدیک کردن دو آیین قدیم و جدید به هم بود؛ ولی رشد و ترقی مسلمانان باعث شد که خوف و ترس، محافل یهود را فرا گیرد؛ زیرا پیشرفتهای روزافزون نشان می‌داد که آیین اسلام، در اندک مدتی سراسر شبه جزیره را خواهد گرفت و قدرت و آیین یهود را از بین خواهد برد؛ این نظر، کارشکنی از جانب یهود آغاز گردید

آنان، از راه‌های گوناگون مسلمانان و پیامبر را آزار می‌دادند. از جمله، مسئله نمازگزاردن به سمت بیت المقدس را پیش کشیدند و گفتند

محمد مدعی است که دارای آیینی مستقل و ناسخ آیینهای گذشته می‌باشد، در صورتی که او هنوز قبله مستقلی ندارد و به قبله یهودیان نماز می‌گزارد.

این خبر برای پیامبر صلی الله علیه و آله گران آمد. نیمه شبها از خانه بیرون می‌آمد و به آسمان نگاه می‌کرد. در انتظار نزول وحی بود که دستوری در این باره نازل گردد، چنانکه آیه زیر، این مطلب را گواهی می‌دهد:

«نگاه‌های معنادار تو را به آسمان می‌بینیم. تو را به سوی قبله‌ای که رضایت را جلب کند، می‌گردانیم.»^۱

از آیات استفاده می‌شود که تبدیل قبله، علاوه بر اعتراض یهود، جهت دیگری نیز داشته است و آن جنبه امتحانی داشت. مقصود این بود که مؤمن واقعی و حقیقی، از مدعیان ایمان که در ادعای خود کاذب بودند، تمیز داده شوند و پیامبر صلی الله علیه و آله، این افراد را خوب بشناسد؛ زیرا پیروی از فرمان دوم که در حالت نماز، متوجه مسجد الحرام گردند - نشانه ایمان و اخلاص به آیین جدید بود و سرپیچی و توقف، علامت دو دلی و نفاق به شمار می‌رفت، چنانکه خود قرآن صریحاً این مطلب را می‌فرماید:

«تغییر قبله از آن طرفی که بر آن نماز می‌گزارید، برای این بود که تا موافق را از مخالف تمیز دهیم و این کار برای غیر آنهایی که خداوند آنان را هدایت کرده است، کار پرمشقتی بود»^۲

«البته از تواریخ اسلام و مطالعه اوضاع شبه جزیره، علل دیگری نیز به دست می‌آید.»^۳

۳. جنگ بدر

«فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيَبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۴ «شما آنان را نکشتید؛ بل خداوند آنها را کشت و این تو نبود که سنگریزه بر چهره آنان پاشیدی؛ بلکه خدا بو خداوند می‌خواست مؤمنان را خوب بیازماید بی شک او شنوا و دانا است»

در جنگ بدر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقداری سنگریزه به سوی دشمن پاشیدند این کار اعجاز‌آمیز و اعجاب برانگیز، عامل شکست مشرکین شد. این آیه

۱. [قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا] بقره/۱۲۴.

۲. [وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ] بقره/۱۴۳.

۳. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ ۱۳۷۰ ق، ج ۱، ص ۴۸۳ و ۴۸۴.

۴. انفال/۱۷.

کریمه اشاره به آن معجزه خدایی و نصرت الهی است

۴. جنگ اُحُد

«وَأِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛^۱ «و (به یاد آور) زمانی را که صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان بیرون رفتی و خداوند شنوا و دانا است (گفتگوهای مختلفی را که درباره طرح جنگ گفته میشد، می شنید و اندیشه‌هایی را که بعضی در سر می‌پروراندند، می‌دانست).»

این آیه تصویری از طلیعه جنگ اُحُد است به گفته «ابن اسحاق» شصت آیه از سورة آل عمران درباره روز احد است^۲

۵. جنگ احزاب

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْزِئِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ إِنْ نَصَرَ اللَّهُ قَرِيبًا»؛^۳ «آیا پنداشتید به بهشت می‌روید بدون اینکه بر شما بگذرد رویدادهایی که بر پیشینیان گذشت؟ به آنان دشواریها و آسیبه‌ها رسید و آنچنان آشفته شدند که پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنانی که با او بودند، می‌گفتند: کی یاری خداوند فرا می‌رسد (به آنان گفته شد) هش دارید! بی‌شک یاری خداوند نزدیک است.»

«غزوة خندق که آن را غزوة احزاب نیز نامند، در شوال سال پنجم، ماه پنجاه و ششم پس از هجرت واقع شد و آیات ۲۱۴ سورة بقره، ۲۶ و ۲۷ سورة آل عمران، ۶۲ و ۶۴ سورة نور، و ۹ و ۲۵ سورة احزاب درباره این غزوه است»^۴

۶. بیعت رضوان

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»؛^۵ «محققاً خداوند از مؤمنان خشنود گشت، هنگامی که زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند. خداوند از آنچه در دل داشتند، آگاه بود. از این رو آرامش را بر آنان فرود فرستاد و پیروزی نزدیکی را به آنها پاداش داد.»

این آیه کریمه داستان کسانی را می‌گوید که پیش از قرار داد صلح حُدَیبیه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند. این بیعت چون زیر درختی به نام «سَمُرَه» واقع شد، به آن «بیعت سَمُرَه» و «بیعت شَجَرَه» نیز می‌گویند.^۶

قرآن کریم قصه زنانی را که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند نیز در جای دیگری یادآور شده است^۷

۷. ورود به مسجد الحرام

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»؛^۸ «محققاً خداوند رؤیای پیامبرش که یقیناً به مسجد الحرام داخل خواهید شد را به حق، راست قرار داد»

۱. آل عمران / ۱۲۱.

۲. تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، تحقیق دکتر گرجی، دارالفکر، تهران، چاپ اول ۱۳۸۶ ق، ص ۳۳۸.

۳. بقره / ۲۱۴.

۴. تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، ص ۳۷.

۵. فتح / ۱۸.

۶. المیزان، علامه طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم ۱۴۰۱ ق، ج ۱۸، ص ۲۸۴.

۷. ممتحنه / ۱۲.

۸. فتح / ۲۷.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ذی القعدة سال هفتم هجری برای قضای عمره‌ای که در سال پیش به چای نیاورده بودند، همراه بارگیشان در حدیبیه رهسپار مکه شدند پس از ورود به مکه، خانه خدا را طواف کردند و پس از طواف کعبه و سعی صفا و مروه، سر خویش را تراشیدند و سه روز در مکه ماندند و این به واقعیت رسیدن رؤیای پیشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.»^۱

۸. مباهله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛^۲ «پس هر کس با تو درباره عیسی، در مقام مجادله مجادله برآید بعد از آنکه با وحی خدا به احوال او آگاهی یافتی، بگویایید ما و شما بخوانیم فرزندان و زنان و نفوس خود را تا با هم به مباهله برخیزیم» یعنی در حق یکدیگر نفرین کرده و در دعا و التجاء به درگاه خدا اصرار کنیم تا دروغگو و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.»^۳

«مباهله» به معنی نفرین متقابل است، بدین شکل که دو فرد یا دو گروه مدعی بر یکدیگر نفرین میکنند و لعنت خدا را بر دروغگو یا ظالم قرار میدهند. رُخداد مباهله یکی از حوادث متواتر و درس آموز است داستان اینگونه آغاز شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رهبر مذهبی مسیحیان نجران نامه نگاشته، او را به پذیرش دین مبین اسلام دعوت کرد او گروهی را برای کاوش به مدینه فرستاد. این گروه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مذاکراتی داشتند تا اینکه وحی نازل شد و آنان را به مباهله دعوت کرد آنان در آغاز پذیرفتند؛ ولی وقتی دیدند تنها حضرت علی و زهرا، حسن و حسین علیهم السلام همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده‌اند، منصرف شدند

داستان شورانگیز و هیجان‌آفرینی بود. میقات مباهله در سرزمینی بیرون مدینه قرار داشت. گروه‌های فراوانی از مهاجر و انصار گرد آمده بودند. بر اساس گفتگوی گروه مسیحی نجران، اگر پیامبر با حشمت و شکوه ظاهری می‌آمد، رسالتش حقیقت نداشت و اگر عزیزان خود را پیراسته از آداب ظاهری به صحنه ملوید، متکی به خدا بود و رسالتش حقیقت داشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نهایت اعتماد به نصرت خدا و حقانیت خویش، عزیزترین افراد را به صحنه آورد معنویت آسمانگیر این جمع اندک، دل و چشم گروه مسیحی را پر از اضطراب کرد در این لحظه‌های تاریخی یکی از بزرگان گروه نجران گفت: اینان کسانی هستند که اگر دست به نیلش بردارند و از خدا بخواهند، کوه‌ها از جا کنده می‌شوند. و اگر بر ما نفرین کنند، تباه می‌شویم. بدین ترتیب، حاضر شدند «جزیه» بپردازند و در امان باشند^۴

۹. اعطای فدک

«فَاتِذَا الْغُرَبَى حَقَّهُ وَ الْمُسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛^۵ «پس حق نزدیکان، بیچاره و در راه مانده را بپرداز این

۱. امتاع الاسماع، مغریزی، دارالکتب العلمیه، تهران، ج ۳ ص ۳۳۶ و ۳۴۱.

۲. آل عمران / ۶۱.

۳. این ترجمه مرحوم آیت الله الهی قمشاهی است.

۴. برای پژوهش بیشتر در داستان مباهله، نگاه کنید به تفسیر ابو الفتوح رازی، تصحیح الهی قمشاهی، ج ۲، ص ۳۷۷، تاریخ ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۴۲، المیزان، علامه طباطبائی، ج ۳ ص ۲۳ تا ۲۴۷، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۱۴۷، فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج ۲، ص ۴۳۱ تا ۴۵۰.

۵. روم / ۳۸. این فرمان در آیه ۲۶ سوره اسراء نیز آمده است

برای کسانی که خداوند را می‌خواهند، بهتر است و آنان، رستگارانند»
 «ابو سعید خدری و غیر او روایت کرده‌اند که: وقتی این آیه بر پیامبر اکرم صلی
 الله علیه و آله نازل شد، حضرت فدک را به جناب فاطمه علیها السلام بخشیدند و به
 او تسلیم کردند همین سخن از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده
 است.»^۱

پاره‌ای از فرمانهای عبادتی، تربیتی و اخلاقی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 گفتنی است که گرچه این خطابه‌ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ ولی
 مقصود عامی دارد این فرامین از این قرار است

۱. به یاد خدا بودن^۲
۲. عبادت.^۳
۳. عبادت مخلصانه^۴
۴. شب زنده داری^۵
۵. اقامه نماز.^۶
۶. سجده.^۷
۷. تلاوت قرآن.^۸
۸. دست بالا بردن هنگام تکبیر^۹
۹. استعاذه.^{۱۰}
۱۰. تسبیح و تحمید^{۱۱}
۱۱. خواندن دعاها و ویژه^{۱۲}
۱۲. شکرگزاری.^{۱۳}
۱۳. بازگویی نعمتها^{۱۴}
۱۴. استغفار (برای خویش، مؤمنان و مؤمنات).^{۱۵}
۱۵. توکل بر خدا.^{۱۶}
۱۶. تقوا پیشگی^{۱۷}
۱۷. گذشت.^{۱۸}

۱. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱، ص ۱۸۹، به نقل از مجمع البیان مرحوم طبرسی
 ۲. اعراف / ۲۰۵؛ کهف / ۲۴.
 ۳. حجر / ۹۹؛ هود / ۱۲۳؛ مریم / ۶۵.
 ۴. زمر / ۲ و ۱۱ و ۱۴.
 ۵. مزمل / ۷؛ انسان / ۲۶؛ طور / ۴۹؛ هود / ۱۱۴؛ طه / ۱۳۰؛ اسراء / ۷۹.
 ۶. کوثر / ۲؛ اسراء / ۷۸؛ طه / ۱۴.
 ۷. علق / ۱۹؛ انسان / ۲۶؛ حجر / ۹۸.
 ۸. مزمل / ۴.
 ۹. کوثر / ۲.
 ۱۰. اعراف / ۲۰۰؛ نحل / ۹۸؛ غافر / ۵۶؛ فصلت / ۳۶.
 ۱۱. ق / ۳۹؛ طور / ۴۸؛ نصر / ۳؛ انسان / ۲۶؛ اعلی / ۲؛ آل عمران / ۴۰؛ طه / ۱۳۰؛ واقعه / ۷۴.
 ۱۲. اسراء / ۸۰؛ طه / ۱۱۴.
 ۱۳. زمر / ۶۶.
 ۱۴. ضحی / ۱۱.
 ۱۵. نساء / ۱۰۶؛ آل عمران / ۱۵۹؛ محمد / ۱۹؛ ممتحنه / ۱۲؛ غافر / ۴۰؛ نور / ۶۲.
 ۱۶. آل عمران / ۱۵۹؛ نمل / ۷۹؛ مزمل / ۹؛ شعراء / ۲۱۷؛ هود / ۱۲۳.
 ۱۷. احزاب / ۱ و ۳۷.
 ۱۸. بقره / ۲۸۶؛ آل عمران / ۱۵۹؛ مائده / ۱۳؛ اعراف / ۱۹۹.

۱۸. مشورت.^۱
۱۹. پاك كردن جامه^۲
۲۰. گريز از پليدي^۳

قسمتي از هشدارها و نهیها

۱. نراندن مستمند (سائل).^۴
۲. قهر نکردن از یتیم^۵
۳. چشم به دنیا داران ندوختن^۶
۴. شك نداشتن^۷
۵. غفلت نداشتن^۸
۶. یاور خائنان نبودن^۹
۷. اطاعت از کافران و منافقان نکردن^{۱۰}
۸. دست خود را نبستن و کاملاً نگشودن (پرهیز از افراط و تفریط).^{۱۱}
۹. نراندن کسانی که صبح و شام خدای خویش را میخوانند.^{۱۲}
۱۰. شرك نورزیدن^{۱۳}

برخي از احكام ویژه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله

آیات ۶ و ۵۰ و ۵۲ و ۵۳ سوره احزاب و آیات نخست سوره مزمل، بعضی از احکام مخصوص حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند. بررسی این مطالب مجال گسترده‌ای را می‌طلبد.

اهداف رسالت

در این بخش به گونه‌ای گذرا اهداف رسالت را مستند به آیات و روایات به بررسی می‌نشینیم:

۱. اتمام حجت: یعنی اینکه زمینه هدایت و راهیابی را برای مردم فراهم کنند، به گونه‌ای که عذر و بهانه معقول و منطقی برای گمراهان باقی نماند^{۱۴}
۲. عبادت خدا و گریز از طاغوت^{۱۵}
۳. اختلاف زدایی.^{۱۶}

۱. آل عمران/ ۱۵۹.

۲. مدثر/ ۴.

۳. همان/ ۵.

۴. ضحی/ ۱۰.

۵. ضحی/ ۱.

۶. حجر/ ۸۸.

۷. بقره/ ۱۴۷.

۸. اعراف/ ۲۰۵.

۹. نساء/ ۱۰۵.

۱۰. احزاب/ ۱ و ۴۸.

۱۱. اسراء/ ۳۹.

۱۲. انعام/ ۵۲.

۱۳. قصص/ ۸۷.

۱۴. برای ارزیابی کامل این بحث نگاه کنید به آیه ۱۹ مائده و المیزان، علامه طباطبائی، ج ۳ ص ۲۷۳ و ۱۴۸؛ و آیه ۱۶۵ نساء؛ آیه ۱۳ انعام؛ آیه ۸ و ۹ ملک؛ آیه ۱۳۴ طه؛ آیه ۴۷ قصص؛ آیه ۴۲ انفال، و نهج البلاغه، خطبه ۸۲ و ۹۱.

۱۵. نحل/ ۳۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۱۶. بقره/ ۲۱۳.

۴. اقامه قسط و عدل.^۱
۵. حلال کردن چیزهای طیب^۲
۶. حرام دانستن چیزهای پلید^۳
۷. برداشتن زنجیرهای اعتقادات فاسد و سنن و آداب تباه و برداشتن بار گران قیدهای ناهنجار^۴
۸. بیرون راندن انسانها از ظلمات^۵
۹. تزکیه.^۶
۱۰. تعلیم (کتاب، حکمت، چیزهایی که نمیتوانستند بیاموزند).^۷
۱۱. تلاوت آیات.^۸
۱۲. داوری.^۹
۱۳. تبشیر.^{۱۰}
۱۴. تنذیر.^{۱۱}
۱۵. تذکر.^{۱۲}
۱۶. امر به معروف و نهی از منکر^{۱۳}
۱۷. بلاغ.^{۱۴}
۱۸. بیان.^{۱۵}
۱۹. کامل کردن ارزشهای اخلاقی^{۱۶}
۲۰. زندگی بخشی^{۱۷}
۲۱. یاد آوری پیمان فطری مردم^{۱۸}
۲۲. تذکر نعمتهای فراموش شده^{۱۹}
۲۳. بیدار کردن عقلهای خفته^{۲۰}
۲۴. تذکر نشانههای قدرت خداوند^{۲۱}
۲۵. تبیین و تبلیغ سرآمد و اجلهای نابود سازنده^{۲۲}

۱. حدید/ ۲۵؛ اعراف/ ۲۹؛ شوری/ ۱۵.

۲. اعراف/ ۱۵۷.

۳. همان/ ۱۵۷.

۴. همان/ ۱۵۷.

۵. ابراهیم/ ۱؛ طلاق/ ۱۱.

۶. بقره/ ۱۵۱ و ۱۲۹؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲.

۷. بقره/ ۱۲۹؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲؛ بقره/ ۱۵۱.

۸. بقره/ ۱۲۹؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲.

۹. نساء/ ۶۵؛ بقره/ ۲۱۳؛ نساء/ ۵۹؛ نور/ ۴۸؛ ص/ ۲۶؛ مائده/ ۴۸ و ۴۹.

۱۰. مریم/ ۹۷؛ سبا/ ۲۸؛ نجم/ ۵۶؛ شعراء/ ۱۹۴؛ اعراف/ ۲؛ شوری/ ۷.

۱۱. مریم/ ۹۷؛ سبا/ ۲۸؛ نجم/ ۵۶؛ شعراء/ ۱۹۴؛ اعراف/ ۲؛ شوری/ ۷.

۱۲. غاشیه/ ۲۱؛ اعلی/ ۹؛ طور/ ۲۹.

۱۳. اعراف/ ۱۵۷.

۱۴. مائده/ ۹۲ و ۹۹؛ رعد/ ۴۰؛ نور/ ۵۴؛ عنکبوت/ ۱۸؛ نحل/ ۸۲.

۱۵. نحل/ ۴۴ و ۶۴؛ آل عمران/ ۱۸۷؛ انعام/ ۵۵؛ مائده/ ۱۹.

۱۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۸۷، باب ۹، ح ۱۴۲.

۱۷. انفال/ ۲۴؛ و نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، خطبه.

۱۸. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۱۹. همان.

۲۰. همان.

۲۱. همان.

۲۲. همان.

۲۶. یادآوری بیماریهای پیری‌آور و فرساینده^۱
۲۷. رفع شبهه‌ها.^۲
۲۸. انذار مردم با بیان عقوبت‌های ملل پیشین^۳
۲۹. اجرای امر خدا^۴
۳۰. تقوا پیشگی جامعه^۵
۳۱. وفای به وعده خدا^۶

۱. همان.
۲. همان، خطبه ۲.
۳. همان، خطبه ۲.
۴. همان، خطبه ۸۲.
۵. اعراف/ ۶۳.
۶. نهج البلاغه، خطبه ۱ و ۱۷۳.